ضمایر [این]

شهرستان ادب ۱۰ساله شد

امروز با رونمایی از پیام رهبری جشن تولدی برای انتشارات شهرستان ادب برگزار می‌شود

انتشارات شهرستان ادب ۱۰ ساله می‌شود. دیروز به همین بهانه یك نشست خبری برگزار شد و علی‌محمد مودب مدیر این مجموعه، علی داودی مدیر دفتر شعر و امیرحسین سمیعی مدیر دفتر موسیقی شهرستان ادب با اهالی رسانه گفت‌وگو کردند.

مودب معتقد است در شهرستان ادب به سراغ موضوعات نرفته‌اند، بلکه به دنبال انسان‌هایی بوده‌اند که ویژگی اصلی‌شان پایبندی به ارزش‌های انقلاب باشد و توانایی کار خلاقه را در ادبیات داشته باشند. او می‌گوید با این نگاه بود که دوره‌های آموزشی آفتابگردان‌ها و مدرسه رمان، برای استعدادهای جوان کشور در دو حوزه شعر و داستان، برپا شدند.

مدیر موسسه شهرستان ادب این را هم اضافه کرد که هدف انتشارات، گسترش عدالت فرهنگی در همه مناطق از جمله مناطق محروم کشور بود. او توضیح داد: «کشف استعدادها در حوزه رمان باعث انجام کارهای سنگین و جدی شد که در حوزه داستان، نهادی به نام مدرسه رمان تعریف شد و اولین آموزش رسمی و نهادی را در این زمینه پایه‌گذاری کرد که توانست در پنج دوره با مشارکت بیش از ۱۰۰۰ نویسنده داوطلب در مدرسه رمان حدود ۵۰ چهره تازه به عرصه رمان‌نویسی کشور معرفی کند. هرکدام از این ۵۰ نفر یکی از ثروت‌های ادبیات داستانی امروز ایران هستند. حدود ۴۰ رمان تولید شد که ۲۰ عنوان از آنها منتشر شده و تعدادی نیز در صف انتشار هستند. انجمن ادبی چهارشنبه‌های شهرستان ادب که هر هفته با حضور ۶۰ نفر برگزار می‌شود، از دیگر برنامه‌های دهه اول انتشارات شهرستان ادب است که در دوران کرونا به فضای مجازی منتقل شد. نشست‌های تخصصی نقد، نشست‌های اصل اثر، بوطیقا و... بخشی از فعالیت‌هایی بودند که با همراهی و مشارکت فعالان ادبیات انقلاب در این بازه زمانی رقم خوردند.»

داوودی، مدیر دفتر شعر این انتشارات هم توضیح داد: هم ماجرای شهرستان ادب، ماجرای ادبیات است؛ از ایده تا شکل‌گیری و جاری شدن آن در جامعه و ساختن جامعه‌ای با مرتبه‌ای بالاتر. آموزش، دورهمی و حاصل همه این اتفاقات بعد از یك دهه، شکل‌گیری شهرستان‌های ادب در اقصی نقاط کشور است. افق پیش روی ما برای دوره دوم این است که شهرستان ادب، تکثیر شود.

امیرحسین سمیعی، مدیر دفتر موسیقی شهرستان ادب نیز تشریح کرد که این دفتر سال ۹۴ تأسیس شد و پس از آن بلافاصله استودیوی آفتاب تأسیس شد که نامش برگرفته از نام اردوهای آفتابگردان‌ها است. این استودیو با تمرکز بر شعر کار خود را آغاز کرد و قطعاتی در زمینه موسیقی بی‌کلام و دکلمه با تمرکز بر موسیقی دراماتیك تولید کرد.

به گفته سمیعی تاکنون ۱۰ آلبوم موسیقی و ۶۸ تك آهنگ در دفتر موسیقی شهرستان ادب تولید شده‌اند که زمان حال روزگار ما هستند. به عنوان مثال یکی از موضوعات این تولیدات شهادت سردار سلیمانی بود. دفتر موسیقی شهرستان ادب در چنین شرایطی دست روی دست نگذاشت و دست به تولید زد. در سال ۹۶ ارکستر سمفونیك حافظ را شکل دادیم که برای عضوگیری آزمونی برپا کرد و جوانان جذب آن شدند. اولین کنسرت آن هم اردیبهشت سال ۹۸ به صورت خیریه برای سیل‌زدگان بود. اجراهای بعدی این ارکستر در هفته دفاع مقدس در باغ‌موزه دفاع مقدس بود.

مدیر دفتر موسیقی شهرستان ادب این را هم اضافه کرد: «برای ۱۰ سال آینده برنامه فراگیری داریم که محتواهای آن توسط دفتر شعر و داستان شهرستان ادب تولید می‌شود. همچنین تلاش داریم موسیقی و کتاب گویا را نیز طرح‌ریزی کنیم. یعنی موسیقی‌هایی که برای داستان تولید می‌شود.»

همچنین آثار شهرستان ادب در کشورهایی مثل ترکیه و صربستان در حال ترجمه و پیگیری برای چاپ هستند.

«آرزوهای دست‌ساز» به چاپ ششم رسید

چاپ ششم کتاب «آرزوهای دست‌ساز» که به قلم میلاد حبیبی نوشته‌شده، توسط انتشارات راه یار، روانه بازار کتاب شد. این کتاب اولین اثر از مجموعه تاریخ شفاهی با موضوع پیشرفت است که به ماجرای شکل‌گیری یک شرکت دانش‌بنیان می‌پردازد. مخاطب در این کتاب می‌خواند چگونه تعدادی دانشجو برخلاف فضای رخوت‌انگیز و نامطلوب برخی دانشگاه‌ها، می‌توانند اهداف و آرمان‌های خودشان را دنبال کنند و به موفقیت برسند.

«رخص» وارد بازار موسیقی شد

آلبوم موسیقی رخص با صدا و آهنگسازی جلیل شعاع و همراهی مجموعه فرهنگی هنری عمارت روبرو وارد بازار موسیقی شد. روابط عمومی این مجموعه هنری اعلام کرد، خواننده گروه اهل رشت است و هم‌اکنون به‌عنوان جراح عمومی و فوق تخصص جراحی کولورکتال در زادگاهش مشغول طبابت است. شعاع سال ۱۳۹۶ اولین آلبوم رسمی خود با نام «کو؟» را منتشر کرده بود. علاقه‌مندان می‌توانند از سایت بیب تیونز این آلبوم را خریداری کنند.

چرا «فرهنگ» هیچ جایی در برنامه‌ها و شعارهای کاندیداهای ریاست جمهوری ندارد؟

غایب بزرگ انتخابات ۱۴۰۰

گروه فرهنگ و هنر

شاید شما هم اگر نامزد ریاست جمهوری بودید و قرار بود برنامه‌ها و وعده‌هایتان را مطرح کنید، جرأت نمی‌کردید بین آن برنامه‌ها نقش مقولات مرتبط با توسعه فرهنگی را برجسته کنید. مثل اغلب داوطلبانی که این روزها به عرصه رقابت در انتخابات ریاست جمهوری وارد شده‌اند و کمتر بین آنها دیده می‌شود که برنامه‌ای مدون برای توسعه فرهنگ ارائه داده باشند. چرا؟ خب لابد شما هم اگر نامزد بودید، به این فکر می‌کردید حالا که معیشت مردم دچار اختلال است و بهبود شرایط اقتصادی باید در برنامه‌ها و وعده‌هایتان حرف اول را بزند، سخن‌گفتن از فرهنگ، انگاره‌ای لوس، غیرضروری و از سر شکم‌سیری به نظر خواهد رسید. چنین تصوری، خود بی‌تردید ناشی از خلأ آگاهی و هوش اجتماعی و نشان‌دهنده نوعی از توسعه‌نیافتگی در تحلیل داده‌های اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی است. بدیهی است مردم انتظار دارند کاندیداهای ریاست جمهوری، برای همه خلأها برنامه داشته باشند نه صرفا بابت آنچه امروز اولویت به نظر می‌رسد. اما چطور می‌توان به آگاهی و هوش اجتماعی برای تحلیل این وضع رسید؟

بگذارید برای پاسخ به این پرسش، به چند سال پیش بازگردیم، به آغازین ماه‌های بر سر کار آمدن همین دولتی که حالا باید کنار برود و جایش را به گروه تازه‌ای بدهد. سال ۱۳۹۳ را رهبر انقلاب به عنوان سال «فرهنگ و اقتصاد با عزم ملی و مدیریت جهادی» نام نهادند و در صدد تبیین رابطه دو جزء اصلی این شعار یعنی فرهنگ و اقتصاد برآمدند. در آن سلسله تبیین‌ها، از اقتصاد به عنوان «ضرورت فوری» و از فرهنگ به عنوان «ضرورت بنیادین» یاد می‌شد. این سخنان در روزهایی که اهمیت نسبت بین اقتصاد و فرهنگ، از مسیر «تعیین اولویت» می‌گذرد، دوباره اهمیت یافته‌است. اولویت‌ها را می‌توان با دو معیار تعیین کرد؛ گاه اولویت بر «فوریت» دلالت می‌کند و امور بر اساس آن، به فوری و غیرفوری تقسیم می‌شود و گاه اولویت بر «مبنایی و بنیادین‌بودن» دلالت می‌کند و اولویت مسائل، نسبت به جایگاهشان بنا بر این معیار، به بنیادی و غیربنیادی تقسیم می‌شوند. ولی لزوما امر بنیادی با امر فوری منطبق بر هم نمی‌شوند. ظاهرا با تناقضی روبه‌رو هستیم که از یک طرف اولویت فوری کشور مسائل اقتصادی است و از طرف دیگر اولویت بنیادین انقلاب، در گذر فرهنگ تعریف می‌شود به طوری که اصول و غایات انقلاب با فرهنگ و دغدغه‌های فرهنگی تعریف می‌شود. اما تناقضی در کار نیست اگر بدانیم این دو چقدر با هم همپوشان هستند.

اهمیت تبیین رابطه اقتصاد و فرهنگ، بنا بر سخنان رهبر انقلاب، امروز بیش از پیش به چشم آمده است. با این حال، چرا نامزدهای ریاست جمهوری، چنین امر مهمی را فراموش کرده‌اند؟ چرا بین وعده‌ها و برنامه‌هایشان این ضرورت و فوریت با هم تجمیع نشده‌اند؟ این پرسش‌ها را با فعالان حوزه‌های مختلف فرهنگ و هنر در میان گذاشته‌ایم.

محمدحسین فرحبخش از ضرورت توأمان فرهنگ و اقتصاد می‌گوید

فرهنگ را با «ح» جیمی می‌نویسند!

محمدحسین فرحبخش، تهیه‌کننده سینما درباره غیبت فرهنگ در میان شعار نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری و ارجحیت شعارهای اقتصادی بر مباحث فرهنگی به جام‌جم می‌گوید: «به نظرم دلیل این غیبت این است که نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری، فرهنگ را شوخی می‌دانند. البته تا حدودی حرفش را می‌زنند اما به درستی نمی‌دانند فرهنگ با «ح» جیمی نوشته می‌شود یا با «ه» دو چشم. حتی آن شخصی هم که سال ۷۶ آمد و از فرهنگ گفت، اتفاقی ویژه برای فرهنگ و هنر رخ نداد. بدی ماجرا اینجاست که معمولا آن شعارهای اقتصادی نامزدها هم عملی نمی‌شود و اتفاق مثبتی برای اقتصاد کشور هم رخ نمی‌دهد. ضمن این‌که این چهره‌های سرشناسی که در این دوره نامزد انتخابات ریاست جمهوری هستند، قبلا در سمت‌های دیگر حضور داشتند و عملکرد آنها را دیده‌ایم. اگر می‌خواستند کاری (در ارتباط با فرهنگ) کنند، در زمان مسؤولیت‌شان انجام می‌دادند. نکته دیگر این‌که آنها امروز حرف‌هایی می‌زنند که مردم می‌دانند و در فضای مجازی و رسانه‌ای مطرح است، درحالی‌که آنها باید حرف‌هایی را بزنند که مردم نمی‌دانند و از آنها مطلع نیستند.»

این فیلمساز باوجود ضرورت فرهنگی، روی فوریت و لزوم توجه جدی به اقتصاد هم تاکید دارد و می‌گوید: «از نظر من فعلا اول و وسط و آخر مملکت ما اقتصاد است. اگر وضع اقتصاد سامان پیدا کند، تاثیرات مثبتش را در حوزه فرهنگ هم خواهد گذاشت. اما اگر اقتصاد درست نشود، نه تنها فرهنگ که هیچ چیز دیگر بهبود پیدا نمی‌کند. حضرت علی (ع) می‌فرماید از دری که فقر بیاید، ایمان از در دیگر بیرون می‌رود. اگر اینجا و در بحث ما، فرهنگ را همان ایمان درنظر بگیریم، وضعیت روشن می‌شود. وقتی جیب شخص خالی است، دیگر متوجه نمی‌شود ایمان چیست، نماز چیست، اعتقادات چیست، فرهنگ چیست. البته این به معنی این هم نیست هر کس به خاطر فقر و نداری، برود و دست به هر کاری بزند. آدم‌های محترم و باآبرویی داریم که برای امرار معاش به پیش پاافتاده‌ترین کارها بپردازند اما دست به گناه و کار خلاف و غیرقانونی نزنند و شرافت‌شان را با هیچ چیز عوض نمی‌کنند. بحثم این است که درمجموع باید وضع اقتصادی مملکت درست باشد که اثرات مثبت خود را روی بخش‌های دیگر جامعه به ویژه حوزه فرهنگ بگذارد.»

فرحبخش که اتفاقا سال‌ها پیش تهیه‌کنندگی فیلمی به نام «دو روی سکه» را برعهده داشت، فرهنگ و اقتصاد را دو روی یک سکه می‌داند و می‌افزاید: «با این‌که فرهنگ و اقتصاد هر دو جزو ضرورت‌ها و فوریت‌ها هستند و من تفاوت چندانی میان آنها نمی‌بینم اما به نظرم آدم اول روی سکه را می‌بیند و بعد پشت آن را. منظور از روی سکه در اینجا همان اقتصاد است. معمولش این است که اول، رقم سکه برای آدم مهم باشد و بعد توجهش به تصاویر ارزشمند روی سکه مثلا بارگاه امام رضا (ع) و وجهه فرهنگی آن جلب می‌شود. به نظرم اقتصاد اگر درست شود، با تدبیر و برنامه‌ریزی درست، باعث رشد و ارتقای بخش‌های دیگر جامعه هم می‌شود.»

این تهیه‌کننده و کارگردان ادامه می‌دهد: «سال‌ها پیش از یک چهره سرشناس فرهنگی که با یکی از چهره‌های اقتصادی دوستی داشت پرسیدم: اگر این آقا این موقعیت و جایگاه اقتصادی را در جامعه نداشت، باز هم با او نشست و برخاست و حتی سلام و علیک می‌کردید؟ کمی فکر کرد و گفت نه! بعد به او گفتم: اما اگر این چهره اقتصادی کمی هوش داشته باشد، می‌تواند از شما کسب فرهنگ کند و می‌تواند فرهنگ، سواد و دانش خود را ارتقا دهد. اما شما به عنوان یک آدم فرهنگی، معلوم نیست بتوانید از قبل این دوست اقتصادی به موقعیت اقتصادی خوبی دست یابید. هرچند این تاثیرپذیری بخش اول، نشان از اهمیت فرهنگ دارد اما وجود و ضرورت اقتصاد است که باعث جذب فرهنگ می‌شود.»

فرحبخش می‌گوید: «این را هم می‌دانیم معمولا آدم‌هایی که از فرهنگ دم می‌زنند، ظاهرسازی می‌کنند. کسی که فرهنگی واقعی است، دم از فرهنگ نمی‌زند و فرهنگ در اعمال و رفتار و کردارش مشخص می‌شود. مثل یک متدین واقعی که حرف دین نمی‌زند، بلکه از رفتار، گفتار و اعمالش مشخص می‌شود او آدم دیندار و عاشق اهل بیت است. اسلام از انسان عمل می‌خواهد. نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری باید به جای شعار برنامه اقتصادی (و فرهنگی) مدون عملیاتی ارائه دهند. انتظارم هم از رئیس جمهوری منتخب و دولت آینده این است که شرایط رفاه و ممیزی را برای اهالی فرهنگ و هنر به ویژه سینما تسهیل کند و کاری کند هنرمندان نگران معیشت فردای خود نباشند.»

برای پاسخ به پرسش‌هایی که در این گزارش مطرح شده به چند سال پیش بازگشته‌ایم، به آغازین ماه‌های بر سر کار آمدن همین دولتی که حالا باید کنار برود و جایش را به گروه تازه‌ای بدهد

سجاد نوروزی بر اهمیت درک فرهنگی تاکید می‌کند

فرهنگ، یک امر تزئینی مؤثر

اگر به نطق افتتاحیه رقابت‌های انتخاباتی نامزدهای مختلف در این دوره نگاه کنید، متوجه خواهید شد که از میان کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری در این دوره به‌جز یکی، هیچ‌کدام در صحبت‌هایش سخنی از فرهنگ به میان نیاورد. چراکه اساسا در دوران فعلی کشور و مخصوصا در دوره ریاست جمهوری آقای روحانی، فرهنگ و هنر یك امر تزئینی است و صرفا کارکرد تبلیغاتی دارد. گویی این‌که که دولتمردان دیگر به مقوله فرهنگ احساس نیاز نمی‌کنند و به‌کل، ذهنیتی فرهنگی و هنری ندارند. فهم آنها از تعاملات و برساخت‌های اجتماعی و آن چیزی که جامعه انسانی را شکل و نما می‌دهد، یك فهم فرهنگی و هنری نیست. آنها احساس می‌کنند که فرهنگ و هنر نقشی در شکل‌گیری حیات اجتماعی بشر و پدید آمدن کنش سیاسی انسان‌ها ندارد. در صورتی که کنش سیاسی هرکسی از معبر فرهنگ و هنر عبور می‌کند، به این معنا که پیش‌فرض‌های فرهنگی هر انسانی که به واسطه مصرف یك کالای فرهنگی خاص، یا سپماتی یك مفهوم یا نحله فرهنگی بودن شکل می‌گیرد، به فرد کمك می‌کند که در عالم سیاست چه باید بکند. به عبارت دیگر پیش‌فرض و پیش‌نیاز فهم و کنش سیاسی، فهم فرهنگی و فضای فرهنگی است که فرد در آن تنفس می‌کند. درواقع قبل از این‌که شهروندان بخواهند یك تصمیم سیاسی بگیرند، درك فرهنگی است که به کمك آنها می‌آید. این مساله را هیچ‌کدام از رجال سیاسی در ایران نتوانستند بفهمند.

اگر خاطرتان باشد در دوره‌های قبل نیز نقش هنرمندان با اهالی سیاست این بود که در زمان انتخابات آنها را با خود هم کنند و به وزارت کشور بیاورند. نتیجه این نگاه تزئینی، وضع باری به هر جهت و بی‌قاعده‌ای است که امروز می‌توان در فض فرهنگ و هنر ما دید. یعنی هیچ برنامه مشخصی برای رش ارتقا و توسعه فضای فرهنگ و هنر کشور وجود ندارد، من این را به ضرس قاطع می‌گویم. در یك سال گذشته با ماجرای کرونا این ماجرا عیان‌تر شد. کرونا مثل تندبادی بود که روبناها را فروریخت و ما را با یك زیربنای پوچ مواجه کرد. آیا لطیفه‌ای بانمك‌تر از این وجود دارد که وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی فعلی در باب تمام مسائل سیاسی و بین‌المللی ممکن است توییت بزند، اما درباره مسائل فرهنگی هیچ موضع‌گیری درست و روشنی از او در چهار سال گذشته به خاطر

سیدضیاء هاشمی چندان امیدی به تغییر نگاه به مقوله فرهنگ ندارد

حیاط خلوت فرهنگ

سیدضیاء هاشمی تهیه‌کننده باسابقه سینما درباره عدم برنامه ارائه شده از سوی کاندیداها برای حوزه فرهنگ و هنر گفت: در ابتدا باید به این مهم توجه داشت که اگر این افراد که کاندیدای ریاست جمهوری شدند تنها به انگیزه خدمت به مردم ثبت‌نام کردند چرا این قدر یکدیگر را مورد حمله قرار می‌دهند. خدمت اینگونه است که باید بیایند و به دلیل خدمات ارزنده پیشین از فرد دعوت شود اگر افراد صلاحی هستید و به دنبال قدرت نیستید باید صبر کنید تا از شما دعوت شود تا در جهت خدمت به مردم قدم بردارید. این‌که این افراد همگی پیش‌تر در یک پستی مشغول بودند و مملکت بعد از ۴۲ سال با این مشکلات عدیده روبه‌روست جای سوال دارد. این افراد اگر می‌توانستند به درستی خدمت کنند که در زمان فعالیت خود در پست محوله درست عمل می‌کردند و روزگار ما این نمی‌شد. من اگر جای شورای نگهبان بودم همه این افراد را رد صلاحیت می‌کردم زیرا این افراد نشان دادند که توانایی خدمت به مردم را ندارند. از ابتدای انقلاب تا به امروز اغلب رئیس جمهورها در کشور به شعار تبلیغاتی خود عمل نکرده‌اند. به خصوص در امر اقتصاد و فرهنگ علی‌الخصوص درامر فرهنگ که همگی صفر هستند. دولت دوازدهم به نظرم بی‌فرهنگ‌ترین دولت بوده و خوشبختانه ادعایی هم ندارد.
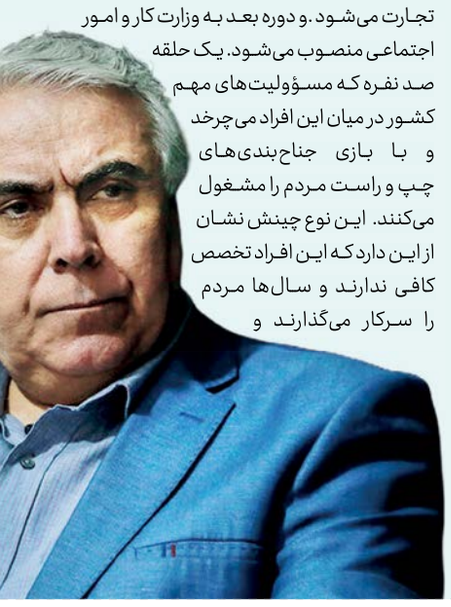
این کاندیداها که ثبت‌نام کردند حداقل درباره فرهنگ اظهارنظر کنند تا ببینیم نظرشان درباره فرهنگ و هنر چیست؟ آیا این افراد از فرهنگ و هنر همین قدر می‌دانند که در دوران کودکی نقاشی می‌کشیدند و نمره کسب کردند. به اعتقاد ما اگر این ا بیایند و مشاوره هم بگیرند نه عمل می‌کنند و نه در این ح اطلاعاتی دارند. تقسیم‌بندی دولت‌ها را نگاه کنیم می‌بینیم جای شایسته‌سالاری، رفاقت‌سالاری حاکم می‌شود. وزیر به سخنگو تبدیل می‌شود یا معاون اجرایی رئیس جمهو سرپرست وزارت ورزش و جوانان و بعد وزیر صنعت، معد تجارت می‌شود. و دوره بعد به وزارت کار و امور اجتماعی منصوب می‌شود. یک حلقه صد نفره که مسؤولیت‌های مهم کشور در میان این افراد می‌چرخد و با بازی جناح‌بندی‌های چپ و راست مردم را مشغول می‌کنند. این نوع چینش نشان از این دارد که این افراد تخصص کافی ندارند و سال‌ها مردم را سرکار می‌گذارند و